

معرفی کتاب خارجی

# راهنمای مطالعه دین رابلیک

● علیرضا رضایت

مباحث بسیاری درباره تعاریف و پیش فرض‌های مطالعه دین وجود دارد و بسیاری از محققان می‌پرسند که آیا چیزی به عنوان دین وجود دارد؟ برخی نیز اساساً ارزش اصطلاح «دین» را زیر سؤال می‌برند.

در زبان‌های مختلف مثلاً سانسکریت هیچ واژه‌ای برای «دین» وجود ندارد. آیا «دین» ساختار غربی است و بخشی است از امپریالیسم فکری که بر فرهنگ‌های مختلف تحمیل شده است؟ گفته می‌شود کلمات همان معنا را می‌دهند که ما می‌خواهیم. جان هینلز (ویراستار کتابی که نگارش این سطور بهانه معرفی آن است) معتقد است «دین» مؤثر و سودمند است، اما باید آن را با احتیاط بکار برد.

سهولت سفر و مهاجرت‌های گسترده به کشورهای مختلف به تعامل فرهنگ‌ها در سطوح جهانی منجر شده است. غربی‌ها بیش از پیش با مردمان دیگر روبه‌رو و به آنها نزدیک شده‌اند. در عین حال، برخی ادیان که در گذشته برای ما بیگانه و از ما دور

دیندار باشیم یا نباشیم، مطالعه ادیان، کلید شناخت و فهم آدمی است؛ نیرو قدرتمند دین در طول تاریخ بشر، گاهی منشأ خیر و سازنده بوده است و برخی از آنان نیز سبب ویرانی شده‌اند. اما این نکته، غیرقابل کتمان است که دین، الهام‌بخش بزرگ‌ترین و عالی‌ترین کارها بوده است. در حقیقت ادیان، کانون تاریخ اجتماعی و سیاسی‌اند. دانشمندانی که در نوشته‌های خود درباره جوامع مختلف، ادیان را در نظر نمی‌گیرند در حقیقت عنصری کلیدی را از پژوهش‌های خود حذف می‌کنند. آشنایی با ارزش‌ها، آرمان‌های دین و فرهنگی که با آن ارتباط برقرار می‌کنیم، ضروری است، و مفهوم جهانی شدن، عمومیت بخشیدن در ارتباط با «دیگری» است. ادیان را نمی‌توان فارغ از بسترشان، مطالعه و پژوهش کرد و همانند الماس، دارای زوایای مختلف بسیاری هستند و از زوایای مختلف می‌توان به آنها نگریست، اما این تصاویر آن چنان پیچیده‌اند که هر نویسنده‌ای را یارای اشراف بر تمامیت آنها نیست و اساساً دین‌پژوهی، مقوله پیچیده‌ای است.



دین و سیاست در طول تاریخ، همواره با یکدیگر تعامل و البته چالش داشته‌اند. مارگارت تاچر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، بر آن بود که دین، موضوع اختصاصی اعتقاد است. بنابراین، اسقف‌ها نباید درگیر سیاست شوند. اما او سخت در اشتباه بود. ادیان و رهبران دینی به ندرت خارج از سیاست بوده‌اند. مسیحیت در ایجاد امپراطوری اسپانیا، پرتغال و بریتانیا نیرویی پیش‌برنده و مؤثر داشت. در دو امپراطوری نخست، انگیزه شدیدی برای مسیحی کردن مردم وجود داشت. هدف تجزیه آسیای جنوبی در ۱۹۴۷م. ایجاد ملت‌های مستقل مسلمان و هندو بود. نمایش فیلم‌هایی از دو حماسه رامایانا و مهابهاراتا بدون آنکه قصد و عمدی در کار باشد آتش ملی‌گرایی هندی را شعله‌ور ساخت.

در دنیای معاصر، ادیان اهمیت بیشتری یافته‌اند. ادعای اسرائیلی‌ها مبنی بر آنکه سرزمین اسرائیل، هدیه خدا به آنهاست سبب شده آنها خود را بر فلسطینی‌ها تحمیل کنند و آنها را از سرزمین خود اخراج کنند.

دشوار بتوان باور کرد که حمله به عراق در ۲۰۰۳-۴م. صرفاً به خاطر حمله تروریستی به برج‌های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر بوده است. بوش و بلر که هر دو دیدگاه دینی مسیحی خود را عمومیت بخشیدند با حمله به عراق قصد تغییر رژیم یا به گفته بوش یک جنگ صلیبی را داشتند. از نگاه مسلمانان بسیاری از کشورها، این مسئله یک اهانت مسیحی به اسلام بود و پیامدهای آن مسلماً تا مدت‌ها متوجه ما خواهد شد. از طرفی برخی نویسندگان معتقدند این اقدامات پیامد اسلام و مسیحیت حقیقی نیست بلکه بر این باورند که این انسان‌ها هستند که از

بودند، امروزه بخشی از چشم‌انداز بومی و محلی بسیاری از ما شده‌اند. بسیاری برآنند که واژه دین دارای معنای محصلی نیست، لذا باید از آن پرهیز کرد و به جای آن باید به سراغ تعریفی از فرهنگ رفت. هینلز خود معتقد است چیزی به عنوان دین وجود ندارد. ما صرفاً با ادیان روبه‌رو هستیم یعنی افرادی که خود را اعضای یک گروه دینی می‌انگارند. عمل یا اندیشه، زمانی دینی محسوب می‌شود که شخص

تصور کند که در حال عمل به دین خود است. سازمان‌ها و نهادها، زمانی دینی‌اند که افراد مرتبط با آنان چنین بیندیشند و عملکرد خود را دینی (دیندارانه) قلمداد کنند. در برخی جوامع آسیای شرقی، شخص می‌تواند تشریف مسیحی داشته باشد و به سبک بودایی ازدواج کند و با مراسم تشییع جنازه چینی به خاک سپرده شود. زمانی که او به شیوه مسیحی عمل می‌کند در آن زمان مسیحی است. البته مرزهای این گروه‌ها متغیر و نامشخص است از این‌رو برخی افرادی که می‌گویند مسلمانند از سوی برخی آن دین به عنوان اسلام حقیقی پذیرفته نمی‌شود.

دیدگاه کلی هینلز در بحث ادیان آن است که افراد همانی هستند که اعتقاد دارند، هستند. بسیاری، فرهنگ را مقوله‌ای می‌دانند که دین را دربر می‌گیرد و هم‌چنین معانی بسیار گسترده‌تری دارد و به عنوان مثال پارسیان هند افزون بر دینشان، صاحب فرهنگ نیز هستند. اصطلاح مترادف آن، پارسی است. این اصطلاح انواع البسه، نمایش‌نامه‌ها و شیوه خاصی از آشپزی را دربر می‌گیرد و تمام آنها ایده‌آل‌های پارسی است که در این کشور کهن رواج دارد. آنها این موارد را نه به عنوان بخشی از دین خود، بلکه به عنوان بخشی از فرهنگ خود تفسیر می‌کنند.

یک دین برای توجیه اعمال خود استفاده می‌کنند.

به هر روی در حوزه مطالعه دین یا ادیان توجه به پاره‌ای ملاحظات از سوی محققان و دانشجویان ضروری است، چرا که افراد در مطالعه نظریه و روش دچار آشفتگی می‌شوند و در عین حال، هرچه موضوع پیچیده‌تر باشد اهمیت این حوزه‌ها بیش‌تر می‌گردد. بنابراین برای محقق لازم است پیش از شروع به کار با مباحث و تردیدها سازگار شود و ضروری است که مسائل، مضامین، اهداف و عقاید را در کانون توجه قرار دهد.

کتاب راهنمای مطالعه دین راتلج، ویراسته جان هینلز کتابی است که می‌خواهد پاسخ‌گوی مسائل و مشکلات حوزه دین‌پژوهی باشد. این کتاب، ادیان را از چشم‌اندازهای گوناگونی بررسی می‌کند. در تدوین کتاب جمعی از نویسندگان متخصص گردآمده‌اند.

مقدمه کتاب، ادبیاتی تأثیرگذار دارد و تبحر نویسندگان را در آن به خوبی نشان می‌دهد. هر چند که این کتاب مجموعه‌ای است از مقالات، اما یک‌دستی در سراسر کتاب، چشمگیر است و برخی از مقالات با مقدمه کتاب همخوان‌تر از دیگر مقالات‌اند.

کتاب مطالعه ادیان صرف نظر از مقدمه که شامل دو مقاله از هینلز و اریک شارپ<sup>۲</sup> است در مجموع از دو بخش کلی (بالغ بر ۵۵۶ صفحه) با نام‌های «رویکردهای کلیدی به دین‌پژوهی»، و «مسائل کلیدی در مطالعه ادیان» تشکیل شده است که هر یک به ترتیب نه و نوزده مقاله عالمانه را دربر می‌گیرند. کتاب در سال ۲۰۰۵م. به همت انتشارات راتلج منتشر شده است. اما پیش از اشاره به موضوع مقالات گفتنی است که ساختار کلی کتاب بنابه گفته ویراستار (جان هینلز) همان ساختار دوره مقدماتی تدریس وی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن است. البته ایشان به اعتراف خود در تدوین کتاب از راهنمایی‌ها و نقطه نظرات جودیت فاکس<sup>۳</sup> (یکی از نویسندگان مقالات کتاب)، روزالیند هکت<sup>۴</sup>، دان ویب<sup>۵</sup> و رابرت سیگال<sup>۶</sup> بسیار بهره برده است.

سخن با بررسی پاسخ‌های مختلفی آغاز می‌شود از جمله، «چرا مطالعه ادیان؟» سپس به نحوه بسط پژوهش درخصوص ادیان می‌پردازد این که چگونه در موضوع دین به این نقطه رسیده‌ایم و چگونه دانشمندان و محققان در دین نظریه‌پردازی می‌کنند و اهمیت این نظریات و این کشف چیست؟ فصلی که اریک شارپ آن را نگاشته است تصویر تاریخی رشد مطالعات دینی را ترسیم می‌کند.

برغم تصور عامه، رهیافت‌های متعددی در مطالعه ادیان وجود دارد و هر کدام از آنها در این کتاب در فصل جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از میان آنها دو طریقه مشخص عبارت‌اند از «الهیات» و «مطالعات دینی»، در عین حال، درخصوص ارتباط بین این دو طریقه مباحث بسیار است؛ در آمریکا نشانه‌هایی از تمایز بین این دو رو به رشد است و حال آن که در بریتانیا این دو طریقه همان‌گونه که در فصل پیاپی این کتاب «الهیات» به قلم دیوید فورد<sup>۷</sup> و «مطالعات دینی» به قلم دونالد ویب<sup>۸</sup> ملاحظه می‌شود، در حال نزدیک شدن به یکدیگرند. شیوه‌های علمی و یا اجتماعی گوناگونی برای مطالعه ادیان وجود دارد- بررسی جامعه‌شناختی دینی (مقاله «جامعه‌شناسی دین» اثر ریزبورت و کونیسنی<sup>۹</sup>)، بررسی انسان‌شناختی دین یا نگاه فلسفی به دین (مقاله فلسفه دین پیتر واردی<sup>۱۰</sup>) و «پدیدارشناسی دین» (اصطلاحی که داگلاس آلن<sup>۱۱</sup> در مطالعات دینی، آن را اندکی متفاوت با کاربرد آن در فلسفه محض بکار برده است).

روانشناسی دین اصطلاحی عام برای شماری از رویکردهاست که مرکور<sup>۱۲</sup> آن را در مقاله خود مورد بررسی قرار داده است. ویلیام پادن<sup>۱۳</sup> نویسنده دو کتاب پر خواننده در باب ادیان تطبیقی، فصلی را در این کتاب به این موضوع اختصاص داده است.

هر کدام از رویکردهای روش‌شناختی را که در نظر بگیریم با شماری از مسائل کلیدی مواجه می‌شویم که دانشمندان حوزه ادیان از آنها بحث کرده‌اند. جنسیت بطور مشخص به موضوعی قابل توجه تبدیل شده است (مقاله یوشکا<sup>۱۴</sup>). در میان بسیاری از شیوه‌ها و موضوعات، پساتجددگرایی (مقاله هیلاس<sup>۱۵</sup>) به شیوه‌ای برای بررسی سؤالاتی تبدیل شده است که به سادگی نمی‌توان از آنها غفلت کرد؛ بگونه‌ای مشابه، پسا استعمارگرایی و خاورشناسی (مقاله ریچارد کینگ<sup>۱۶</sup>) ارزیابی مجدد جهان‌بینی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. مسئله‌ای که شاید به طور خاص به مطالعات دینی مربوط است، مسأله مزایا و مشکلات فهم و چشم‌اندازی درونی به دین یا فرهنگ، در قیاس با چشم‌انداز بیرونی (مقاله کیم نات<sup>۱۷</sup>) است.

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. بحث‌های بسیاری در خصوص فرآیندهای سکولاریزاسیون در جریان بود که با رشد گرایش به معنویت، عرفان (مقاله کینگ) و گسترش جنبش‌های دینی جدید (مقاله جودیت فاکس) در تضاد و تقابل بودند. برغم آنچه

در دانشگاه لیورپول است. وی بیش‌تر در مرکز مطالعات شرقی و آفریقایی و دانشگاه منچستر به تدریس ادیان مشغول بوده است. حوزه تخصص او آیین زردشتی و پارسیان هند است. دیاسپورای زردشتی (۲۰۰۵م)، مطالعات زردشتی و پارسی (۲۰۰۰م) و زردشتیان بریتانیا (۱۹۶۶م) از جمله آثار منتشر شده این اندیشمند است.

2. Erik Sharpe.
3. Judith Fox.
4. Rosalind Hackett.
5. Don Wiebe.
6. Robert Seagal
7. David Ford
8. Donald Wiebe
9. Martin Riesebrordt Konieczny.
10. Peter Vardy.
11. Douglas Allen.
12. Dan Merkur.
13. William Paden.
14. Darlene Jushka.
15. Paul Heelas.
16. Richard King.
17. Kim Knott.
18. Henry Munson.
19. Paul Gifford.
20. Garrett Green.
21. George Myser.
22. Chris Park.
23. Thomas Dixon.
24. Mark Hulsether.
25. Luther Martin.
26. Sean McLoughlin.
27. Micheal Barnes.

رویکردهای عقلانی به جامعه ممکن است در پی داشته باشد، بنیادگرایی (که اغلب از آن استفاده نادرست می‌شود) ظاهراً در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف به مقوله‌ای برجسته‌تر و بااهمیت‌تر تبدیل شده است (مقاله هنری مانسن<sup>۱۸</sup>). مناسک و اسطوره‌های قدیم و جدید با اغلب ادیان و فرهنگ‌ها درآمیخته‌اند و عنصر محوری آنها بشمار می‌روند (مقاله رابرت سیگال). مسئله حجیت و مرجعیت که در بسیاری از سنت‌ها هم به معنای افراد دیندار و کارزمای آنها و هم به حسب متون و مراجع رسمی نهادیه شده، ویژگی قابل توجهی دارد (مقاله گیفورد<sup>۱۹</sup>). البته متون، ثابت و ایستا نیستند، کلمات نمی‌توانند تغییر کنند، اما تفسیرشان متغیر است و این مسئله اصلی هرمنوتیک (مقاله گرین<sup>۲۰</sup>) است.

از آن‌جا که ادیان در خلاء پدید نمی‌آیند شش فصل بعدی کتاب به این مسئله می‌پردازند که چگونه ادیان با منشور سیاست (مقاله جورج مویزر<sup>۲۱</sup>)، جغرافیا و شرایط جغرافیایی (مقاله کریس پارک<sup>۲۲</sup>)، پیشرفت‌ها و کشفیات علمی و فکری (مقاله توماس دیکسون<sup>۲۳</sup>)، فرهنگ (مقاله مارک هالستر<sup>۲۴</sup>) و هنر (مقاله جان هینلز) درگیرند، تعامل دارند و یا این حوزه‌ها به دین چگونه می‌نگرند. مقاله مربوط به دین و شناخت به قلم مارتین<sup>۲۵</sup> نیز به یکی از پرچالش‌ترین رویکردهای رایج در مطالعات دینی می‌پردازد. در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. مهاجرت در سطوح بین‌المللی به نحو چشمگیری افزایش یافت. بسیاری چنین فرض کردند که مهاجران پس از چند نسل جذب محل مهاجرت شده و دین خود را کنار می‌نهند، اما عکس قضیه اتفاق افتاد که نتیجه آن رشد مطالعات در خصوص سرگردانی‌ها (گروه‌های دینی در تبعید) در اطراف جهان بود (مقاله مک لافلین<sup>۲۶</sup>). هم‌زمان با برخورد و تعامل ادیان و بعضاً بروز تنش بین آنها پلورالیسم دینی به مسأله‌ای جدید بدل گردید که توجه بسیاری از افراد را به خود معطوف نمود (مقاله مایکل بارنز<sup>۲۷</sup>).

کتاب راهنمای مطالعه دین در مجموع کتابی سودمند برای تمامی محققان و دانشجویانی است که در حوزه مطالعات دینی به تدریس و تحصیل مشغولند. کتاب مذکور توسط نگارنده این سطور در دست ترجمه و به همت انتشارات حکمت به زیور طبع آراسته خواهد شد.

#### پی‌نوشت

۱. جان هینلز ویراستار کتاب، در حال حاضر استاد مطالعات تطبیقی دین

